

تأثیر شیوه‌های مختلف بهره‌برداری بر وضعیت مراتع زمستانه

(مطالعه موردی: استان سمنان)

علی‌اکبر کریمیان* - استادیار گروه مرتع و آبخیزداری، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه یزد

پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۴/۳۰

دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۹/۱۰

چکیده

تحقیق حاضر در سال ۱۳۸۸ در مراتع زمستانه استان سمنان، به منظور مقایسه تأثیر روش‌های مختلف و رایج بهره‌برداری در بین روستاییان و عشایر منطقه، بر وضعیت مراتع به اجرا گذاشته شد. جامعه آماری تحقیق براساس پروانه چرای به سه گروه تقسیم‌بندی شد: تک‌پروانه به نام بهره‌بردار (افراز)، پروانه به نام شخص به عنوان نماینده بیش از ۲ بهره‌بردار (مشاع)، و پروانه به نام شورای روستا. افزون بر اینها، روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده تصادفی با تخصیص متناسب مورد استفاده قرار گرفت و با بهره‌گیری از فرمول کوکران، در مجموع تعداد نمونه مورد نیاز ۵۰ مرتع تعیین گردید. به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه و اندازه‌گیری‌های میدانی استفاده شد. نتایج آمار توصیفی نشان داد که ۶۶ درصد از روستاییان به صورت مشاع، ۲۰ درصد به صورت شورایی و ۱۴ درصد به طریق افرازی از مراتع منطقه بهره‌برداری می‌کنند. نتایج آمار استنباطی نشان از آن داشت که بین انواع شیوه‌های بهره‌برداری با وضعیت پوشش گیاهی مراتع و میزان تخریب مراتع رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد ($P < 0/05$). نتایج حاصل از آزمون t در زمینه بررسی وجود رابطه معنی‌دار بین عوامل مؤثر و میزان تخریب مرتع، نشان داد که وجود دامدار غیرمجاز و تجاوز به مرتع از ناحیه همسایگان در منطقه با میزان تخریب، رابطه معنی‌داری مشاهده نمی‌شود ($P > 0/05$). ولی بین چرای زودرس و دام‌مازاد با تخریب مرتع رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد ($P < 0/05$).

کلیدواژه‌ها: بهره‌برداری، وضعیت مرتع، مراتع زمستانه، تخریب مرتع، استان سمنان.

مقدمه

حق مالکیت از جمله مهم‌ترین ابزارها برای رسیدن به توسعه پایدار در مدیریت منابع طبیعی است (Anvar, 2005). از طرفی این حق به عنوان پدیده‌ای فطری که در قوانین اجتماعی نیز تأیید و تصدیق شده، از زمان‌های قدیم مطرح بوده است و جوامع بر اساس پذیرش شکلی از آن، فعالیت‌های اقتصادی خود را سامان داده‌اند (فراهانی‌فرد و صادقی، ۱۳۸۵). با توجه به اینکه مرتع اصلی‌ترین عامل تولید در دامداری سنتی محسوب می‌شود و استفاده از آن به عنوان منبع مهم تغذیه دام از دیرباز مرسوم بوده است و از آنجا که بخش عمده‌ای از مراتع در چارچوب نظام سنتی بهره‌برداری می‌گردد (از کیا، ۱۳۶۵)، شناخت دقیق جنبه‌های این نظام در مدیریت مراتع اهمیت زیادی دارد (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۴). پاپلی یزدی و لباف خانیکی (۱۳۷۹) با بررسی نظام‌های مرتع‌داری در مراتع ایران، بر آن‌اند که مؤلفه‌های اکولوژیکی، وضعیت پوشش گیاهی و مشخصات فنی مراتع از عوامل شکل‌گیری نظام‌های مدیریت چرا و بهره‌برداری از مراتع است. بنابراین در مدیریت و اجرای پروژه‌های اصلاح و احیا، به کارگیری اصول مرتع‌داری در صورتی امکان‌پذیر است که ارزش طبیعی و بوم‌شناختی مرتع با در نظر داشتن شرایط اجتماعی و با تأکید بر سه عنصر "انسان، دام و مرتع" در واحدهای اقتصادی مدنظر قرار گیرد. از مراتع به شیوه‌های مختلف بهره‌برداری می‌شود. بر اساس سامان عرفی حق بهره‌برداری از علوفه به بهره‌برداران دارای صلاحیت، به صورت فردی (تحت عنوان افزایش) یا به صورت جمعی (تحت عنوان مشاع)، آن هم در قالب پروانه چرا داده می‌شود (خلیقی و قاسمی، ۱۳۸۰). رایج‌ترین و کلی‌ترین شیوه بهره‌برداری از مراتع در ایران، بهره‌برداری اشتراکی یا مشاعی است. مراتع با مالکیت مشاعی، واحدهای اجتماعی با اعضای معین، رمز مشخص، بهره‌برداری مشترک، تعامل بین اعضا، وجود فرهنگ استفاده مشترک بین اعضا و با سیستم قدرت داخلی تعریف می‌شود. در این‌گونه مراتع، یورت‌های جداگانه و خاصی برای هر واحد بهره‌برداری وجود ندارد (پاپلی یزدی و لباف خانیکی، ۱۳۷۹). عده‌ای، بهره‌برداری اشتراکی را نشان تکامل فرهنگ تعاونی نزد ایرانیان می‌دانند و بهره‌برداران را برای پذیرش بهره‌برداری مشاعی - در قیاس با تفکیکی - آماده‌تر و مشتاق‌تر می‌دانند (نورعینی، ۱۳۸۵، و فرهادی، ۱۳۷۶) و عقیده دارند که

مالکیت مشاعی، نه تنها تأثیرات زیان‌باری ندارد بلکه ادامه آن باعث کاهش فقر مرتع‌داران نیز می‌شود (Netting, 1976 و Adhicari et al., 2004).

حسینی‌نسب و همکاران (۱۳۸۹) با بررسی رابطه بین نوع مالکیت مرتع و وضعیت بهره‌برداری در مراتع بیلاقی شهرستان اراک، نشان دادند که اگر چه مالکیت مشاعی معایبی دارد، اما با توجه به کارایی و بالا بودن روحیه مشارکت در بین بهره‌برداران آن، این نوع مالکیت (مشاعی) مناسب‌تر از شیوه بهره‌برداری شورایی و افرازی است. اینان همچنین بیان کردند که معایب مالکیت مشاعی را می‌توان با مدیریت صحیح برطرف ساخت و انگیزه حفظ منابع طبیعی را نیز با برنامه‌های خاص در بین مردم به‌وجود آورد.

در عوض، در نظریه اقتصاد سنتی، بیان می‌شود که منابع با مالکیت عمومی به صورت مفرد مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند و این ادعا به تراژدی منابع عمومی^۱ معروف شده است (Hardin, 1968). امروزه بر اساس نظریه هاردین، بسیاری بر این عقیده‌اند که نظام بهره‌برداری مشاعی از اساسی‌ترین دلایل تخریب مراتع به شمار می‌رود (باقری، ۱۳۷۲) (McKean & Ostrom, 1995). اینان از مهم‌ترین مسائل و مشکلات بهره‌برداری مشاعی را فقدان انگیزه مالکیت، کمبود سرمایه در واحدهای بهره‌برداری مشاعی و اختلال در تقسیم کار و اداره مشاع‌ها برشمرده‌اند. فقدان نظام بهره‌برداری بر اساس موازین علمی و فنی، موجودیت پوشش گیاهی مراتع را به شدت با تخریب و نابودی روبه‌رو می‌سازد و سبب به هم خوردن تعادل اکولوژیکی در مراتع می‌شود (حسینی‌نسب و همکاران، ۱۳۸۸).

بر اساس نظر برخی از متخصصان، اگر چه در زمان حاضر در مراتعی که چرا در آنها به صورت مشاع صورت می‌گیرد، تعداد دام نسبت به ظرفیت مراتع زیاد شده است؛ اما به هر حال چراغ مشاع، فشار وراد بر مرتع را تقریباً به یکسان در تمامی سطح مرتع تقسیم می‌کند (احمدی، ۱۳۸۲). مشکل اصلی در واقع مدیریت این منابع عمومی است. در صورتی که

1. Tragedy of commons

بهره‌برداری اعضا از این منابع به درستی صورت گیرد، استفاده مشترک بحران‌ساز نخواهد بود؛ ولی زمانی که بهره‌بردار در استفاده هر چه بیشتر از این منابع می‌کوشد، بحران مدیریت مشاع نیز به تدریج شروع می‌شود (Lise و حسینی‌نسب و همکاران، ۱۳۸۸). به منظور روشن شدن موارد اشاره شده در این تحقیق، ارتباط بین شیوه‌های بهره‌برداری (افرازی، مشاعی و شورایی) با وضعیت و میزان تخریب مراتع در منطقه مورد مطالعه بررسی شده است.

مواد و روش‌ها

جامعه آماری تحقیق بر اساس پروانه چرای به سه گروه تک‌پروانه به نام بهره‌بردار (افراز)، پروانه به نام شخص به عنوان نماینده بیش از ۲ بهره‌بردار (مشاع) و پروانه به نام شورای روستا تقسیم‌بندی شد. روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی‌شده تصادفی با تخصیص متناسب (Krebs, 1999) برای این نوشتار مورد استفاده قرار گرفت و با به‌کارگیری فرمول کوکران^۱ مجموع تعداد نمونه‌های مورد نیاز ۵۰ مرتع تعیین شد (جدول ۱). به منظور تکمیل پرسشنامه‌ها در مراتع افرازی با یک نفر صاحب پروانه، در مراتع مشاعی با دو نفر از اعضا، و در مراتع شورایی دست‌کم با دو نفر، و در مجموع با ۹۳ نفر مصاحبه شد.

جدول ۱. تعداد اعضای جامعه آماری تحقیق

تعداد بهره‌بردار مصاحبه‌شده	تعداد مرتع	شیوه بهره‌برداری
۷	۷	افرازی
۶۶	۳۳	مشاعی
۲۰	۱۰	شورایی
۹۳	۵۰	جمع

منطقه مطالعاتی

استان سمنان با مساحتی حدود ۹/۸ میلیون هکتار بین مختصات جغرافیایی ۴۸° ۵۱' الی

1. Cochran

۵۷'۳" طول شرقی و ۱۴' ۳۴° الی ۱۹' ۳۷° عرض شمالی واقع شده است. این استان به دلیل شرایط جغرافیایی خاص و مساحت زیاد دارای پوشش گیاهی متنوع و متفاوتی است که طیفی گسترده را، از رویشگاه‌های جنگلی در شمال تا کویرهای بدون پوشش گیاهی در جنوب، در بر می‌گیرد. از کل مساحت ۹/۸ میلیون هکتاری استان، ۸/۸۷ میلیون هکتار در زمره منابع ملی است که از این مساحت ۴/۳ میلیون هکتار آن را مراتع تشکیل می‌دهند. از لحاظ تعداد واحدهای دامی، این استان دارای ۲/۷۳ میلیون دام و با تراکم ۰/۳ واحد دامی در هکتار است (موسوی، ۱۳۷۷). مراتع زمستانه این استان عمدتاً در جنوب شرق شهرستان شاهرود و جنوب دامغان و سمنان قرار دارد که مورد بهره‌برداری روستاییان ساکن در منطقه و همچنین عشایر ایل سنگسری به عنوان مراتع قشلاقی قرار می‌گیرد.

اسامی مراتع مورد بررسی در استان سمنان

۱- انجیجه	۱۱- عاشق‌پشته	۲۱- هفت‌خوان	۳۱- اسبکشان	۴۱- چاه شور
۲- چاه باقر	۱۲- چاه قندی	۲۲- تخت رستم	۳۲- حریم‌زمان‌آباد	۴۲- چاه مهدی
۳- چاه میانه	۱۳- پنج‌کوه	۲۳- سنگلاخسر	۳۳- چشمه سیر	۴۳- ریزآب
۴- دولو	۱۴- جهان‌آباد	۲۴- آبندر	۳۴- حریم دستجرد	۴۴- حریم‌طرود
۵- جنیرد	۱۵- خورس	۲۵- ونکان	۳۵- حریم قلعه‌بالا	۴۵- خرگوشی
۶- کلاته رضاقلی	۱۶- تیرکوه	۲۶- چاه‌قلقل غربی	۳۶- حریم غزازان	۴۶- چاه سم
۷- تلو	۱۷- چاه‌پلنگ	۲۷- سوداغلن	۳۷- تپه‌سیاه	۴۷- کاهدان
۸- چاه غلامرضا	۱۸- کلسرو	۲۸- کهک	۳۸- حریم‌بیار	۴۸- تزار
۹- چشمه حرب	۱۹- انجیلاب	۲۹- نورالدین‌آباد	۳۹- حریم‌محمدآباد	۴۹- سوکاه
۱۰- گهکال	۲۰- تیرا	۳۰- کهن تل	۴۰- زیلویی	۵۰- نارکان

ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها

در پژوهش حاضر به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه مشتمل بر پرسش‌های چندگزینه‌ای و همچنین فرم‌های مصاحبه استفاده شد. در تأمین روایی پرسشنامه، با توجه به

اینکه طرح پرسش‌ها و تدوین ابزارهای اندازه‌گیری به دست افرادی کارشناس در این حوزه انجام می‌گیرد، کوشش شد تا با پوشش کامل، متغیرهای اصلی هر عامل پرسش‌ها طرح شوند. سپس پرسش‌ها در اختیار تعدادی از اعضای هیئت علمی متخصص در رشته (۳ نفر)، متخصصان بخش اجرا (۲ نفر) و نیز متخصص در تحقیقات علوم اجتماعی (۱ نفر) قرار گرفت و برآیند دیدگاه‌های آنان در پرسشنامه گنجانیده شد. بدین ترتیب اعتبار محتوای پرسشنامه‌ها تأیید گردید. برای محاسبه ضریب قابلیت اعتماد ابزار اندازه‌گیری، آلفای کرانباخ^۱ به کار رفت (قاسمی، ۱۳۸۴). در این زمینه ۲۰ پرسشنامه بین بهره‌برداران (خارج از منطقه مورد مطالعه) توزیع گردید که پس از جمع‌آوری با استفاده از نرم‌افزار SPSS آلفای کرانباخ در مورد پرسش‌های ۰/۸۲ به دست آمد، که ضریب مذکور در دامنه میزان اعتبار قابل پذیرش و مطلوب است (کریم‌نیا، ۱۳۶۹).

روش تعیین وضعیت مراتع

به منظور بررسی رابطه بین نظام‌های حق بهره‌برداری موجود با وضعیت مرتع و میزان تخریب، به مطالعه و بررسی مراتع هر سامان پرداخته شد. مطالعات وضعیت مرتع بر اساس روش پیشنهادی سازمان جنگلبانی امریکا (چهار فاکتوری) که نمره‌های آن تعدیل شده است، مورد ارزیابی قرار گرفت. در روش میدانی عامل وضعیت مرتع با چهار عامل - حفاظت خاک، درصد پوشش گیاهی، عامل ترکیب گیاهی و بنیه و شادابی گیاهان - بررسی گردید، و مجموع نمره‌های چهار عامل مذکور وضعیت مرتع را به ترتیب در درجات "وضعیت عالی، خوب، متوسط، فقیر و خیلی فقیر" مشخص ساخت (Hulchek & Hess, 1995). به منظور تعیین وضعیت مرتع همزمان با پیمایش و تعیین تیپ‌های مرتعی، براساس دستورالعمل تشریحی روش مذکور، طبقه و نمره هر یک از چهار عامل مذکور (خاک، پوشش گیاهی، ترکیب گیاهی و

1. Cranbach's Alpha

شادابی گیاهان) نیز برآورد و یادداشت گردید و پس از انجام محاسبات و آنالیزهای پوشش گیاهی، با در نظر گرفتن ارقام محاسبه شده، درجه وضعیت هر تیپ گیاهی محاسبه شد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

با توجه به نوع تحقیق و اهداف و فرضیات، در این تحقیق از روش‌های آمار توصیفی همچون فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و آمار استنباطی نظیر آنالیز واریانس، آزمون من - ویتنی و جز اینها، با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS، استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

الف) شیوه‌های بهره‌برداری از مراتع در منطقه

بررسی صورت‌های مختلف بهره‌برداری در این تحقیق، نشان می‌دهد که ۶۶ درصد از خانوارها به صورت مشاع از مراتع بهره‌برداری می‌کنند، ۲۰ درصد به صورت شورایی و سرانجام نیز بهره‌برداری حدود ۱۴ درصد طریق افرازی است (جدول ۲).

جدول ۲. توزیع فراوانی انواع مالکیت

نوع مالکیت	فراوانی	درصد
افراز	۷	۱۴
مشاع	۳۳	۶۶
شورایی	۱۰	۲۰
جمع	۵۰	۱۰۰

ب) وضعیت مراتع مورد بهره‌برداری

براساس جدول ۳ میانگین امتیاز کسب شده از روش چهار فاکتوری تعیین وضعیت برای مراتع نمونه ۲۸/۶ است - و در طبقه فقیر قرار می‌گیرد. در مجموع ۲۴ درصد از مراتع مورد مطالعه خیلی فقیر، ۳۸ درصد فقیر، ۳۲ درصد متوسط و ۶ درصد خوب ارزیابی شدند (جدول ۳).

جدول ۳. توزیع فراوانی وضعیت مرتع بر اساس روش چهار فاکتوری ارزیابی وضعیت

وضعیت مرتع	فراوانی	درصد	میانگین امتیازات	انحراف معیار
خیلی فقیر	۱۲	۲۴	۲۸/۸	۵/۴۴
فقیر	۱۹	۳۸		
متوسط	۱۶	۳۲		
خوب	۳	۶		
جمع	۵۰	۱۰۰		

ج) مدیریت و تخریب مراتع

بر اساس نتایج به دست آمده از پرسشنامه‌ها، ۲۶ درصد از مراتع مورد مطالعه بدون تخریب مانده‌اند، ۱۰ درصد نشان از تخریب کم دارند، ۳۲ درصد مورد تخریب متوسط قرار گرفته‌اند، ۱۸ درصدشان با تخریب زیاد مواجه بوده‌اند و ۱۴ درصد نیز تخریب خیلی زیاد را نشان می‌دهند (جدول ۴).

جدول ۴. میزان تخریب مراتع در منطقه مورد مطالعه

تخریب	فراوانی	درصد
ندارد	۱۳	۲۶
کم	۵	۱۰
متوسط	۱۶	۳۲
زیاد	۹	۱۸
خیلی زیاد	۷	۱۴
جمع	۵۰	۱۰۰

یافته‌های استنباطی

در این بخش فرضیات تحقیق از منظر آماری مورد بررسی قرار می‌گیرد. در جدول ۵ به ترتیب فرضیات تحقیق، متغیرها، مقایس هر متغیر و نوع آزمون آماری مورد استفاده نشان داده شده است.

جدول ۵. آزمون‌های آماری مورد استفاده برای تأیید یا رد فرضیات

فرضیه	متغیر مستقل	مقیاس	متغیر وابسته	مقیاس	نوع آزمون آماری
همبستگی معنی‌داری بین شیوه بهره‌برداری و وضعیت مراتع وجود دارد.	وضعیت مرتع	رتبه‌ای	شیوه بهره‌برداری	اسمی	آزمون کندال تاو و فیشر
همبستگی معنی‌داری بین شیوه بهره‌برداری و میزان تخریب وجود دارد	تخریب	رتبه‌ای	شیوه بهره‌برداری	اسمی	آزمون فیشر
	عوامل موثر بر تخریب	(متعدد)	شیوه بهره‌برداری	اسمی	آزمون من ویتنی
	مساحت	رتبه‌ای	تخریب	رتبه‌ای	همبستگی کندال تاو

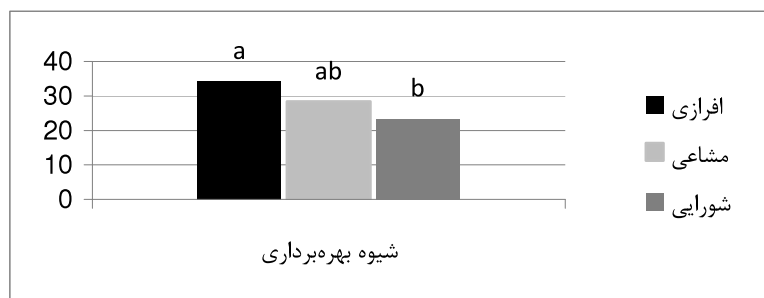
الف) رابطه بین شیوه‌های بهره‌برداری و وضعیت مرتع

تجزیه واریانس بین شیوه‌های بهره‌برداری از مراتع و وضعیت مرتع رابطه معنی‌داری را در سطح احتمال ۵ درصد نشان داد ($p < 0/05$) (جدول ۶).

جدول ۶. تعیین سطح معنی‌داری، بین شیوه‌های بهره‌برداری از مراتع و وضعیت مرتع

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	df	میانگین مجموع مجذورات	F	P
وضعیت مرتع	۳/۷۳	۲	۱/۲۴	۲/۷۹	۰/۰۵۴

در شکل ۱ وضعیت مراتع با شیوه‌های بهره‌برداری مورد مقایسه قرار گرفته است.



شکل ۱. مقایسه وضعیت مرتع و انواع بهره‌برداری با استفاده از آزمون دانکن ($p < 0/05$)

نتایج حاصل از آزمون همبستگی کندال تاو حاکی از آن است که بین انواع شیوه‌های بهره‌برداری و وضعیت مرتع رابطه منفی و معنی‌داری در سطح احتمال ۰/۰۱ وجود دارد. همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، بین وضعیت مرتع و مساحت سامان عرفی همبستگی معنی‌دار وجود ندارد و عامل افزایش سطح بر روی وضعیت مرتع بی‌تأثیر است. همچنین بین تعداد دام و وضعیت مرتع همبستگی معنی‌دار و منفی وجود دارد؛ یعنی با افزایش تعداد دام وضعیت مرتع ضعیف‌تر می‌شود.

جدول ۷. رابطه بین برخی پارامترهای شیوه بهره‌برداری و وضعیت مرتع

وضعیت مرتع	t	p
شیوه بهره‌برداری	۰/۰۱*	-۲/۵۸
مساحت مرتع	۰/۱۷۳	-۰/۳۵۳
تعداد دام	۰/۰۰**	-۴/۲۱۴

t ضریب همبستگی کندال تاو، * معنی‌داری در سطح ۰/۰۵، ** معنی‌داری در سطح ۰/۰۱

ب) رابطه بین انواع بهره‌برداری و میزان تخریب مراتع در منطقه

براساس جدول تجزیه واریانس شیوه‌های بهره‌برداری و تخریب پوشش گیاهی با احتمال ۹۵ درصد بین میزان تخریب در منطقه و انواع روش‌های بهره‌برداری رابطه معنی‌دار وجود دارد ($P < 0/05$). میزان تخریب پوشش گیاهی در بهره‌برداری شورایی بیشتر از مشاعی و افرازی است (جدول ۸).

جدول ۸. تعیین سطح معنی‌داری، میزان تخریب در منطقه و بهره‌برداری از مراتع

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	df	میانگین مجموع مجذورات	F	P
میزان تخریب مراتع در منطقه	۱۶/۸۲۵	۲	۵/۶۰۸	۲/۶۴۴	۰/۰۴۷*

* معنی‌داری در سطح ۰/۰۵

ج) رابطه بین تخریب مراتع و عوامل مؤثر در تخریب

نتایج حاصل از آزمون t با توجه به بررسی وجود رابطه معنی‌دار بین عوامل مؤثر و میزان تخریب، نشان از آن دارد که بین وجود دامدار غیرمجاز در منطقه و میزان تخریب، رابطه معنی‌داری به چشم می‌خورد. ولی بین چرای زودرس و دام‌مازاد با تخریب مرتع رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد. همچنین بین عامل تجاوز به مرتع از ناحیه همسایگان با تخریب مرتع رابطه معنی‌داری مشاهده نشده است (جدول ۹).

جدول ۹. بررسی دیدگاه‌های بهره‌برداران با توجه به عوامل مؤثر بر تخریب مراتع منطقه

گوپه	t	p			
وجود دامدار غیرمجاز در مرتع	-۱/۰۲۶	۳۱۱	آری	N	۱۹
			U	۳/۱۴	
			S.D	۱/۳۵	
			خیر	N	۳۱
			U	۲/۶۲	
			S.D	۱/۵۹	
وجود چرای زودرس	-۱/۹۹	۰/۰۴۳	آری	N	۳۷
			U	۳/۰۳	
			S.D	۱/۴۹	
			خیر	N	۱۳
			U	۱/۸۷	
			S.D	۱/۳۵	
تجاوز به مرتع	-۰/۹۲	۰/۳۵	آری	N	۲۶
			U	۳	
			S.D	۱/۴۴	
			خیر	N	۲۴
			U	۲/۵۵	
			S.D	۱/۶۱	
وجود دام‌مازاد در مرتع	-۱/۴۵	۰/۰۳۸	آری	N	۳۳
			U	۲/۵۸	
			S.D	۱/۵	
			خیر	N	۱۷
			U	۳/۳۳	
			S.D	۱/۴۹	

N: فراوانی، U: ضریب من ویتنی، S.D: انحراف معیار

بحث و نتیجه‌گیری

مالکیت در واقع از بحث‌برانگیزترین موضوعات در مدیریت مراتع در ایران است که تاکنون تحقیقات زیادی هم در خصوص آن صورت گرفته است. تقسیم‌بندی‌های مختلفی از مالکیت مراتع وجود دارد و هر تحقیق به دنبال پاسخ‌گویی به مشکلات و مسائل خاصی از مالکیت در منابع طبیعی است. با این حال بسیاری از پرسش‌ها و ابهامات بی‌پاسخ مانده‌اند. به دنبال پاسخ‌گویی به یکی از این پرسش‌ها که ریشه در مسائل اجتماعی و اقتصادی روستاییان و عشایر دارد، مالکیت‌های افزایی و مشاعی و شورایی مورد بررسی قرار گرفت.

براساس نتایج آمار توصیفی ذکر شده می‌توان بیان داشت که مدیریت مراتع مورد مطالعه در وضعیت بحرانی قرار دارد. هر چه تعداد بهره‌بردار در منطقه بیشتر باشد، تراکم دام در واحد سطح مرتع افزایش می‌یابد و منجر به تخریب روزافزون مراتع می‌گردد. دام غیرمجاز و بیش از ظرفیت مرتع، عامل مخرب و نابودکننده مراتع است و مسئولیت‌ناپذیری افراد در محدوده چرای، روند تخریب مرتع را تشدید می‌کند. چرای زودرس، ولو به دلایل طبیعی (خشکسالی) و انسانی (اجتماعی - اقتصادی) هم باشد، به هر حال موجودیت مراتع را رو به زوال می‌برد. در مراتع ایران از دیرباز استفاده از چوپان و قرقبان برای حفظ دام و مرتع مرسوم بوده است و جزو عوامل مثبت مدیریت صحیح در مرتعداری سنتی به شمار می‌آید. هرچند در منطقه مورد مطالعه وجود چوپان از ضروریات اجتناب‌ناپذیر است ولی بهره‌گیری از قرقبان نیز می‌تواند عاملی برای کنترل چوپان‌ها و مدیریت بهتر مراتع باشد.

بهره‌برداری از منابع بیشتر به منظور حفظ حیات و تداوم معیشت، عامل تشدید رقابت در میان بهره‌برداران به شمار می‌آید و تعداد زیاد دام و منابع محدود، عاملی است برای افزایش بهره‌گیری از منابع. نتایج تحقیق حاکی از آن‌اند که حدود یک‌چهارم بهره‌برداران در مراتع مشترک برای ورود دام به مرتع جنبه رقابتی را در نظر داشته‌اند. وضعیت مالی ضعیف بهره‌برداران، آنها را مجبور به افزایش تعداد دام می‌کند. به طوری که می‌توان گفت بهره‌بردار به دنبال وضعیت مطلوب برای زندگی خود است. بدین ترتیب فقر بهره‌برداران می‌تواند در روند تخریب مراتع تأثیر بگذارد. به طور کلی با توجه به نتایج به دست آمده، می‌توان گفت که در

هیچ کدام از مالکیت‌های مورد بررسی تعادل دام و مرتع مناسب نیست و مدیریت مراتع وضعیت مطلوبی ندارد. پژوهشگران دیگری چون Agraval (2001) عدم تعادل دام را در سیستم‌های مدیریتی مورد مطالعه‌شان گزارش کرده‌اند. همچنین (احمدی، ۱۳۸۲) تعداد زیادی بهره‌بردار، وجود دام غیرمجاز و چرای زودهنگام را عامل تخریب مراتع دانسته است؛ و خلیقی و قاسمی (۱۳۸۰) به پایین بودن درصد مشارکت بهره‌برداران در تعدیل دام و رعایت فصل چرا اشاره کرده‌اند. افزون بر اینها، تحقیقات (Castello & Caffin, 2008) لازمه مدیریت صحیح مراتع در اشکال مختلف بهره‌برداری را جلوگیری از بهره‌برداری مفرط و تعادل دام و مرتع برشمرده‌اند. بدین ترتیب، می‌توان دید که همه پژوهشگران مذکور به همین موضوع اشاره دارند.

با توجه به نتایج ارائه شده، ۶۲ درصد از مراتع مورد مطالعه که عمدتاً مراتع حریم روستاها هستند وضعیت فقیر تا خیلی فقیر داشته‌اند، ۳۲ درصد وضعیت متوسط و حدود ۶ درصد از مراتع نیز دارای وضعیت مناسب بوده‌اند. بدین ترتیب می‌توان با اطمینان چنین نتیجه گرفت که هر چه مراتع به سمت شورایی پیش بروند، وضعیت مراتع رو به فقیرتر شدن می‌نهد. بنابراین، مدیریت مرتع تأثیر زیادی در بهبود و تضعیف وضعیت مرتع دارد. این استدلال، با نتایج (Hulchek & Hess, 1995) نیز که نوع مالکیت و شیوه بهره‌برداری را در چگونگی گرایش وضعیت مراتع مؤثر دانسته‌اند، همخوان و سازگار است. البته ذکر این نکته ضروری است که علاوه بر چرای مفرط و بی‌برنامه و وجود دام مازاد که سبب کاهش کمی و کیفی علوفه و گرایش منفی مراتع شده است، عوامل اقلیمی و خشکسالی‌های پی‌درپی چند سال اخیر نیز بر این امر تأثیرگذار بوده‌اند. نتایج تحقیقات پاپلی یزدی و لباف خانیکی (۱۳۷۹) نیز گویای همین واقعیت است. افزون بر اینها، نتایج حاکی از آن بود که بین انواع بهره‌برداری و وضعیت مرتع رابطه‌ای منفی و معنی‌دار به چشم می‌خورد. در بهره‌برداری افزاری به دلیل تعداد بهره‌بردار کمتر، مدیریت منسجم‌تر و رقابت کمتر، بهترین وضعیت در بین شیوه‌های مختلف بهره‌برداری مشاهده می‌شود. این در حالی است که در شیوه بهره‌برداری مشاعی و شورایی به دلیل آشفتگی مدیریت مرتع، تعدد بهره‌بردار، وجود چندین گله و رقابت بین آنها در زمان ورود به مرتع و چرا در مکان‌های پرعلف وضعیت نامناسب‌تری به چشم می‌خورد.

بین وضعیت مرتع و مساحت مرتع رابطه معنی‌داری وجود ندارد. به نظر می‌رسد عوامل دیگری همچون نوع مالکیت و شیوه بهره‌برداری، چرای مفرط و بدون برنامه و شرایط اقلیمی بر روی وضعیت مراتع منطقه نقش پررنگ‌تری داشته‌اند. نتایج ارائه شده به وسیله حسینی‌نسب و همکاران (۱۳۸۸) نیز گویای همین واقعیت است. بین تعداد دام و وضعیت مرتع رابطه‌ای معنی‌دار و منفی وجود دارد. البته در مراتع خیلی فقیر به دلیل پایین بودن شدید پتانسیل تولید علوفه، به اجبار و ناگزیر از تعداد دام کاسته می‌شود ولی در مراتع فقیر و متوسط بهره‌برداری بی‌رویه همچنان ادامه می‌یابد و همین امر منجر به نابودی حداقل پوشش گیاهی موجود و گرایش منفی مراتع می‌شود. در واقع می‌توان گفت که بهره‌برداری بی‌رویه عامل اصلی تخریب - و یا تسریع روند آن - در مراتع منطقه است. حسینی‌نسب و همکاران (۱۳۸۸) نیز در مطالعات خود در استان مرکزی بر همین موضوع اشاره و تأکید کرده‌اند.

در نهایت می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که بهره‌برداران (روستاییان و عشایر) خود آشنایی دیرین و دیرپایی با علل تخریب مراتع دارند. زیادی دام، بی‌نظمی و رقابت در چرا، زودرس بودن چرا، بهره‌برداری مفرط و استفاده بی‌رویه از مرتع، از جمله علت‌هایی هستند که به نحوی انسان آنها را هدایت می‌کند. اما اینکه چرا بهره‌برداران با اینکه به این امر واقف‌اند، توجهی به آن نمی‌کنند، چه بسا پاسخ را می‌بایست در مسائل اقتصادی و اجتماعی منطقه جست‌وجو کرد.

سپاس‌گزاری

بر خود لازم می‌دانم تقدیر و سپاس خود را از کلیه کسانی که در به انجام رسیدن این تحقیق با نگارنده همکاری کرده‌اند، به ویژه کارشناسان ادارات منابع طبیعی استان سمنان و بهره‌برداران صدیق و زحمت‌کش مراتع زمستانه استان سمنان - مشتمل بر روستاییان ساکن در منطقه و عشایر ایل سنگسری - ابراز کنم و خود را سپاس‌گزار زحمات‌های‌شان بدانم.

منابع

- احمدی، ا.، ۱۳۸۲، بررسی تأثیر شیوه‌های مدیریتی اعمال شده بر حفظ یا تخریب مراتع منطقه شوریک و حاجو- استان آذربایجان غربی، مجله تحقیقات مرتع و بیابان ایران، جلد ۱۰، شماره ۴، صص. ۴۸۱-۴۸۹.
- ازکیا، م.، ۱۳۶۵، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران، انتشارات اطلاعات، تهران، ص. ۳۲۴.
- باقری، م. ر.، ۱۳۷۲، بررسی مناسب‌ترین نظام بهره‌برداری از مرتع (حوزه آبخیز کسلیان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهندسی مرتعداری، دانشگاه تهران، ایران، ص. ۱۳۴.
- پاپلی یزدی، م. ح. م. لباف خانیکی، ۱۳۷۹، نظام‌های بهره‌برداری از مراتع، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۵، پیاپی، صص. ۵۶-۵۷.
- حسینی نسب، م. ح. بارانی، ق. دیانتی تیلکی، ۱۳۸۸، مقایسه انواع مالکیت در مراتع استان مرکزی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مرتعداری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۷۸ صفحه.
- حسینی نسب، م. ح. بارانی، ق. دیانتی تیلکی، ۱۳۸۹، بررسی رابطه بین نوع مالکیت مرتع با وضعیت بهره‌برداری با تأکید بر مراتع بیلاقی شهرستان اراک، فصلنامه تحقیقات بیابان و مرتع ایران، ۱۷ (۱)، صص. ۱۶۶-۱۷۹.
- خلیقی، ن. م. ح. قاسمی، ۱۳۸۰، بررسی میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری، دومین سمینار ملی مرتع و مرتعداری در ایران، ۱۸-۱۶ بهمن ۸۰، تهران، کرج، صص. ۹۰-۱۰۲.
- فراهانی فرد، س.، ۱۳۸۴، سازگاری بهره‌برداری از منابع طبیعی با توسعه پایدار در اسلام، پایان‌نامه دکترای اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، ایران.
- فراهانی فرد، س. ح. صادقی، ۱۳۸۵، ساختار مالکیت و تأثیر آن بر بهره‌برداری از منابع طبیعی (بررسی تطبیقی)، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ۶، شماره ۴.
- قاسمی، و.، ۱۳۸۴، ضریب آلفای کرونباخ و ویژگی‌های آن، با تأکید بر کاربرد در پژوهش‌های اجتماعی، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، جلد نوزدهم، شماره ۲، صص. ۱۷۴-۱۵۵.
- کریم‌نیا، م.، ۱۳۶۹، طرح پرسشنامه و سنجش نگرش‌ها، انتشارات سمت، ۲۲۱ صفحه.

علی اکبر کریمیان _____ تأثیر شیوه‌های مختلف بهره‌برداری بر وضعیت مراتع زمستانه

موسوی، س. م.، ۱۳۷۷، ارزیابی طرح‌های مرتع‌داری استان سمنان، سازمان جنگلها و مراتع، اداره کل منابع طبیعی استان سمنان، ۶۱ صفحه.

نورعینی ح.، ۱۳۸۵، بررسی برخی عوامل مدیریت چرا در مراتع ییلاقی دو هزار تنکابن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهندسی مرتع‌داری، دانشگاه گرگان، ۷۰ صفحه.

Agrawal A., 2001 **Commons Resources and Institutional Sustainability**, Department of Political Science, Yale University, Mimeo.

Adhikari B., Dimalco S., C. Lovett J., 2004, **Household Characteristics and Forest Dependency: Evidence from Common Property Forest Management in Nepal**, Ecological Economics 48, PP. 245-257.

Anwar, A., 2005, **Unbalanced Rural and Regional Development**, P4WPress, Bogor.

Costello, CH.J. Kaffine D., 2008, **Natural Resource Use whit Limited-Tenure Property Right**, Journal of Environmental Economics and Management, No. 55, PP. 20-36.

Hardin G., 1968, **The Tragedy of the Commons**, Science 162, PP. 1243-1248.

Holechek J.L. and K. J., Hess, 1995, **Government Policy Influence on Rangeland Condition in the United State: a case example**, Environmental Monitoring-and-Assessment, 37, PP. 1-292.

Lise, W., 2000, **Factors Influencing Peoples Participation in Forest Management in India**, Ecological Economic, 34, PP. 379-392.

McKean M., Ostrom, 1995, **Common Property Regimes in the Forest: Just a Relic from the Past?** Unasylya 46, PP. 2-15.

Krebs, C.J., 1999, **Ecological Methodology**, 2nd. Addison Wesley Longman, Menlo Park, California, USA. P. 624.

Netting R., 1976 **What Alpine Peasants Have in Common: Observation on Communal Tenure in a Swiss Village?** Human Ecology, 4, PP. 135-146.